

روشهای برخورد با معضلات

تربیتی (۵)

• تغییر گروه همسالان (تغییر گروه مرجع)

در بررسی تمایل فرد به گروه از سنین پایین تا سنین نوجوانی و جوانی مراحل مختلفی مشاهده می شود. کودکان در حدود ۲ تا ۳ سالگی، خودمحمور بوده و غالباً تمایل دارند که به تنهایی بازی کنند. بعد از این سنین تا قبل از ۵ تا ۶ سالگی بعضاً گروههای دو الی سه نفره که ممکن است همجنس یا غیرهمجنس باشند در سطح کودکان دیده می شود. این گروهها معیارهای خاصی برای خود وضع نکرده و در صورت لزوم عمدتاً از معیارهای ارائه شده توسط بزرگسالان پیروی می کنند. به عنوان مثال اگر فرزند پدری فرزند و دوستانش را از دکتربازی (که بلافاصله کودکان را به کنجکاو در سطح بدن و مسائل زودرس جنسی می کشاند) منع نماید. فرزند و دوستانش آن را می پذیرند.

در سنین ۵ تا ۶ سالگی تا حدود ۱۰ تا ۱۱ سالگی رفته رفته جاذبه های گروهی در کودکان افزایش یافته و این کودکان گروههای دوسه نفره همجنس یا غیرهمجنس را تشکیل داده و در این گروهها از یکدیگر تقلید کرده و به ابراز عقاید خویش می پردازند.

کودکان در این گروهها رفته رفته به استقلال طلبی خود توجه می نمایند (و مثلاً اگر در این سنین پدر و مادر فرزند و دوستانش را از دکتربازی منع نماید، ممکن است آنها دور از چشم والدین به بازی خویش بپردازند). بهمین ترتیب کودکان در این سنین، بعضاً با به تمسخر گرفتن معیارهای دنیای بزرگسالان، تلاش می کنند که معیارهای لازم را مستقلاً انتخاب نمایند. در این گروهها، رهبری گروه با بچه های بزرگتر، باهوش تر و خوش خلقتر است. در سنین ۱۰ تا ۱۱ سالگی و ۱۵ تا ۱۶ سالگی گروههای کوچک و غالباً مختلط قبلی تبدیل به گروههایی ۱۲-۱۰ نفره و از یک جنس می شود در این گروهها که اعضای آن بعضاً با خصومت به ارزشهای دنیای بزرگسالان می نگرند. استقلال طلبی کاملی مشاهده می شود که از این مسئله به عنوان از شیر گرفتن روانی نیز یاد شده است.

گروههای مزبور که گروه همسالان با گروه مرجع نامیده می شوند به برخی از تمایلات اساسی نوجوانان پاسخ مثبت

می دهد. از این رونوجوانان که غالباً در دنیای بزرگسالان براحتی مورد پذیرش قرار نمی گیرند، خود را شدیداً نیازمند پذیرفته شدن در گروههای همسالان می بینند. برخی از ویژگی های گروه همسالان کاهش اضطراب نوجوانان، پاسخ به تمایل در زندگی جمعی و جمع گرایی، پاسخ به هویت جویی جوان و... است که به اجمال به آنها اشاره می کنیم.

نوجوان در روند بلوغ خویش به آینده با بیم و امید می نگرد چرا که از سویی جاذبه هایی نظیر استقلال، وسعت عمل داشتن و امثالهم که در آینده وجود دارد، او را نسبت به آینده علاقه مند و دلگرم می سازد و از سویی بیچیدگیها، دشواریها و مسوولیتهایی که در آینده متوجه جوان می شود نسبت به آینده در وی نوعی از بیم و هراس را ایجاد می نماید. طبیعتاً این احساس دوگانه نسبت به آینده، سبب

خلجان

خاطر و اضطراب

نوجوان شده و نوجوان با

گرد آمدن در کنار سایر همسالان

خود از اضطراب خویش می‌کاهد. این

مسئله بهنگامی که فرضاً گله حیوانات مورد

تهاجم قرار می‌گیرند و با بهنگام غافلگیر

شدن گروههای نظامی ملاحظه می‌شود،

یعنی علی‌رغم اینکه اصول نظامی بیان

می‌دارند فرضاً در موقع آتشبازی توپخانه

طرف مقابل، سربازان باید به گونه‌ای

پراکنده شوند تا به پیشروی یا عقب‌نشینی

خود ادامه دهند، اما ملاحظه می‌شود که

سربازان در حالت غافلگیر شدن زیر آتش

توپخانه کنار یکدیگر جمع می‌شوند.

گذشته از کاهش اضطراب نوجوانان که

ناشی از نگرش دوگانه آنها نسبت به آینده

می‌باشد، نوجوان با وارد شدن در گروه

همسالان امکان این را می‌یابد که از

وابستگیهای خویش به خانواده کاسته و در

گروه همسالان خود استقلال و

استقلال طلبی را مزمزه کند.

ویژگی مهم دیگر گروه همسالان، ایجاد

امکانی برای نوجوان در حرکت از تفرد به

سوی زندگی اجتماعی و اجتماعی شدن

است.

از آنجا که تمایل به زندگی اجتماعی

ریشه در درون آدمی دارد، نوجوان حاضر

است حتی به صورت مضحکه در گروه باقی

بماند، اما از گروه کنار گذاشته نشود. به

همین دلیل گروه همسالان می‌تواند نه تنها

نیاز به زندگی اجتماعی نوجوان را برآورده

سازد، بلکه می‌تواند با ایجاد شرایطی،

امکان آشنایی بیشتر نوجوان با خرده فرهنگ

مردان یا زنان (به تناسب مرد یا زن بودن وی)

را فراهم نموده و نوجوان را آماده پذیرش

نقشهای اجتماعی بنماید. به این ترتیب

نوجوانان (بویژه پسرها) در گروه همسالان

خود امکان رقابت با همسالان خویش را پیدا

کرده و نه تنها توانمندیهای خود را در این

رقابتها محک می‌زنند، بلکه با شور و هیجان

ناشی از این رقابتها به ارضای روحیه

تنوع طلب و هیجان خواه خویش،

می‌پردازند.

به این ترتیب در موارد دیگری

ائمه معصومین علیهم السلام معیارهایی ارائه

کرده اند که مسلمین از طرح دوستی با چه

کسانی پرهیز نمایند. امام علی علیه السلام

فرموده است:

از رفاقت با کسانی که اعمال و

افکارشان برخاست، برحذر باش چه آدمی

به رویه دوستانش خومی‌گیرد.

امام علی علیه السلام در موارد دیگری

افراد را از رفاقت با چاپلوس (که آدمی را

اغفال کرده و کار ناروا را در نظروی روا و

زیبا جلوه می‌دهد) و دروغگو (که بخاطر

فضیلتی که در آدمی نیست، به مدح وی

می‌پردازد) برحذر داشته است.

امام صادق علیه السلام نیز در حدیث

شریفی می‌فرماید:

از رفاقت سه گروه برحذر باش: خائن،

ستمکار، سخن‌چین، کسی که روزی به نفع

تو خیانت کرد، روز دیگری به ضرر تو خیانت

خواهد کرد کسی که برای تو ستمکاری

می‌کند، طولی نمی‌کشد که به خود تو ستم

می‌کند و کسی که پیش تو سخن‌چینی

می‌کند بزودی علیه تو هم سخن‌چینی خواهد

کرد. و امام سجاد علیه السلام خطاب به

فرزند خویش می‌فرماید:

«فرزند عزیز متوجه پنج گروه باش که با

آنان مجالست نکنی، هم کلام نشوی و در

مسافرت با آنها رفاقت ننمایی. عرض کرد:

بدرجان آنان چه کسانی هستند؟ حضرت

سجاد علیه السلام فرمود: «از مجالست

دروغ ساز پرهیز کن چه او مانند سربانی است

که مطالب را برخلاف واقع نشان می‌دهد.

دور از نزدیک و نزدیک را دور جلوه

می‌دهد! از رفاقت با گناهکار و لایبالی

اجتناب کن، زیرا او تو را به بهای یک درهم

یا کمتر از آن می‌فروشد، از رفاقت بخیل

پرهیز کن که او در ضروری‌ترین مواقع، تو را

بازی نخواهد کرد. از رفاقت با احمق

اجتناب کن که او نفعت را اراده می‌کند و از

نادانی تو ضرر می‌زند. از مصاحبت با کسی

که قطع رحم کرده است، بپرهیز که در

کتاب آسمانی مورد لعن و نفرین قرار گرفته

است.»

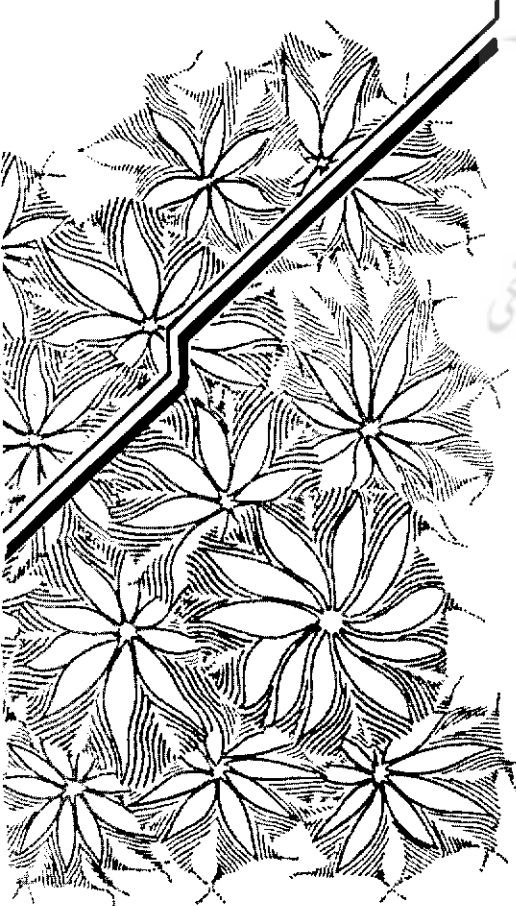
اینک پس از مقدمه‌ای که در تعریف

گروه همسالان داشتیم، به روش اصلاحی

تغییر گروه همسالان می‌پردازیم.

بعضاً مربی ممکن است با متربانی

برخورد نماید که دچار انحراف



اخلاقی- رفتاری بوده اند و علی رغم آنکه
فرضاً روشهای تکریم شخصیت بینش دادن
و غیره را در مورد آنها اعمال کرده است،
نتیجه مثبتی از اقدامات خویش نمی‌گیرد. در
برخی از این مواقع عامل به نتیجه نرسیدن
برنامه ریزی و تلاش مری، گروه همسالان
فرد منحرف است زیرا اگر چه متربی
همه روزه ممکن است به میزان ده دقیقه،
طرف صحبت مری خویش قرار گیرد اما
نباید از نظر دور داشت که وی عضو گروه
همسالان خاصی است که در طول روز
ساعتها با آنها نشست و برخاست داشته و
الزاماً برای حفظ موقعیت خویش در گروه،
باید از ارزشهای گروه تبعیت نماید. بهمین
دلیل او ممکن است خود را با دو مسیر
جدای از هم مواجه ببیند و نهایتاً تعارض
حاصل از این جدایی راه‌ها را به نفع گروه
همسالان خویش حل کند و علی رغم
اصرارهای مری سریعاً خود را با ظاهر تابع
خواستهای وی نشان دهد. بنابراین مربیان و
معلمان باید همواره به گروه همسالان فردی
که روی وی برنامه ریزی می‌نمایند، توجه
داشته و در صورت لزوم به شکستن یا تغییر
گروه همسالان وی بپردازند، چرا که
تعویض گروه یک متربی از گروه و نگردان و
بی خیالان و وارد نمودن وی به یک گروه
ورزشی، هنری، اجتماعی، درسی و غیره،

همانندسازی ارزشی فرد مزبور با هنجارهای
گروه را به دنبال خواهد داشت. و به این
ترتیب دانش آموزان خوب، متشکل در
گروههای همسالان دیگر می‌توانند به عنوان
بهترین همکاران معلم یا مربی در اصلاح
دانش آموز منحرف موثر واقع شوند. مثلاً یکی
از مربیان تربیتی در برخورد با یکی از دختران
دبیرستان، که دارای پوششی زننده بود،
متوجه می‌شود که -خانواده دختر، وی را تحت
فشار می‌گذارند تا او چادر به سر نکند، ایشان
پس از گفتگوهای زیاد با دختر متوجه
می‌شود که دختر نسبت به اهمیت پذیرش
حجاب کامل، واقف است، اما در حالی که
گریه می‌کند، عنوان می‌نماید: «من می‌ترسم
که دوباره چادر سرم کنم چرا که دوستانم
به من می‌گویند پارسال چادری بودی امسال
مانتو شلواوری، چی شده که حالا باز به عقب
برگشتی!»

مربی مزبور که می‌بیند شاگرد شجاعت
برخورد و تحمل تمسخر دوستانش را نداشته و
در نتیجه وضع حجاب او به همان صورت
باقی خواهد ماند، عملاً در حل مساله
می‌ماند. اما ایشان پس از گذشت مدتی
متوجه می‌شود پس از آنکه همان شاگرد
بطور اتفاقی عضو تیم بسکتبال مدرسه شده
است، نحوه لباس پوشیدنش هم تغییر کرده و
اصلاح شده است که طبیعتاً در اینجا با
تغییر گروه همسالان، که مربی به آن توجهی
نداشته است، تغییر ارزشی فرد تحقق پذیرفته
و انحراف وی اصلاح شده است.

اما گذشته از آنکه توجه به گروه
همسالان و مسئله همانندسازی ارزشی
حوانها در این گروهها باید مورد توجه مربی
قرار بگیرد، و مربی آگاهانه در برخورد با
معضلات پیچیده به عنوان یکی از
اساسی ترین کارهای ممکن درصدد تغییر
گروه همسالان فرد برآید (و در صورت
امکان گروه مرجع فاسد به وجود آمده را از
بین ببرد) ذکر این نکته ضروری است که
گروه همسالان بعضاً نسبت به برخی از افراد

مقاوم است و آنها را نمی‌پذیرد که طبعاً توجه
به این مسئله می‌تواند مربی را بر آن دارد تا با
اخذ تدابیری، مانع از طرد شاگردی که در
گروه همسالان خاصی قرار داده شده است،
شود. یکی از این نکات توجه به پایگاه
اقتصادی- اجتماعی افراد گروه همسالان
است.

از یک نظر کلی افرادی که در مرکز نقل
گروه همسالان قرار دارند، بسته به جنس
گروه و پایگاه اقتصادی- اجتماعی گروه
افراد خاصی هستند. به این ترتیب که فرضاً
در گروه همسالان دختران، غالباً دخترانی
که ظاهری ظریف و لطیف و روحیه‌ای
حساس، شاعرانه و هنر دوست دارند و
رفتارشان حاکی از ملامت و لطف و عاطفه
است، بیشتر مورد توجه می‌باشند.

در گروه همسالان پسران، افرادی که
قامتی بلند و بدنی عضلانی و قدرتمند و با
روحیه‌ای قوی و مبارزه جو و مدبر دارند و با
قدرت هر چه تمامتر کارهایشان را پیش
می‌برند، بیشتر مورد توجه هستند.

نه تنها مسئله فوق در گروه همسالان
وجود دارد، بلکه با تغییر شرایط اقتصادی،
اجتماعی و فرهنگی، در معیارهای اساسی
گروه همسالان نیز تغییراتی رخ می‌دهد. به
این ترتیب که فرضاً در یک گروه همسالان
متشکل از اقشار مرفه، افراد اجتماعی،
آداب دان، خوش برخورد، خوش تیپ و
امثالهم در مرکز نقل گروه قرار می‌گیرند،
حال آنکه در یک گروه همسالان در اقشار
ضعیف اقتصادی- اجتماعی، افراد جسور،
بی باک و قدرتمند بیشتر مورد توجه هستند.
همین تفاوتها سبب می‌شود که فرضاً از نظر
گروههای همسالان اقشار مرفه نوجوانان
جنوب شهری بی ادب، پرخاشگر، متجاوز،
درس نخوان، بی پرستی و نظایر آن به حساب
بیانند و متقابلاً از نظر گروههای همسالان
افراد جنوب شهری، جوانان مرفه شمال
شهری زن صفت، نازک نارنجی و اصطلاحاً
سوسول نامیده شوند.

□□□

